

نقش خانواده در تکوین شخصیت پیشرفته در فرزندان

نویسنده: مهناز جزایری*

چکیده:

توسعه اجتماعی بدون وجود افرادی با نوع شخصیت رشد یافته امکان پذیر نمی باشد و تکامل ساختاری و تکامل فردی دارای ارتباطی متقابل می باشند، در این مقاله با اخذ رویکرد نظری و تلفیقی از ساختار و کنش اقدام به مطالعه نقش خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته فرزندان نمودیم، انتخاب موضوع شخصیت محقق را ناچار به اخذ فردگرایی روش شناختی نمود، درحالی که خانواده به عنوان یک شبکه اجتماعی که متولی تولید شخصیت انسانی می باشد و نیز مطالعه نهاد مدرسه، گروه همسالان و نحوه گذران اوقات فراغت که همگی بیانگر تأثیر اجتماعی در شخصیت می باشند، پایه های جامعه شناختی این مطالعه را تضمین می نماید. توصیف وضعیت شخصیت بیانگر آن است که ۱۶/۶ درصد از نوجوانان دارای امتیازات خیلی پایین و ۱۷/۱ درصد دارای امتیاز پایین، ۱۵/۹ درصد در محدوده متوسط و ۲۰/۲ درصد در حد بالا و ۱۶/۳ درصد در حد خیلی بالا قرار دارند و مجموعاً ۳۶/۵ درصد از نوجوانان در محدوده ی شخصیت پیشرفته یعنی امتیازات بالا و خیلی بالا قرار دارند. در تحلیل دو متغیره به از تباط خاص تر میان منابع خانوادگی با ابعاد شخصیت پرداختیم، فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار میان نقش خانواده با شخصیت پیشرفته در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات گردید ($r = ۰.۳۸۲^{**}$ sig: ...). در تحلیل چند متغیری رگرسیونی شخصیت، ضریب تعیین ($r^2 = ۰/۲۹۹$) بیانگر تبیین ۳۰ درصد از تغییرات متغیر شخصیت به وسیله معرف ها و شاخص های این مدل تحقیقی می باشد و حدود ۷۰ درصد از تغییرات به وسیله سایر عواملی که خارج از چارچوب این پژوهش قرار دارند تبیین می شود. در تحلیل مسیر مدل پژوهشی مشخص شد که تأثیر خانواده و همسالان در شخصیت در مقایسه با سایر عوامل دارای اهمیت بیشتری می باشد. منزلت و اطلاعات دارای مهمترین تأثیر در رشد شخصیت می باشند. همسالان با بتای ۰/۳۲ بالاترین تأثیر را در مقایسه با متغیرهای خانواده و اوقات فراغت دارد بعد از همسالان متغیر خانواده با بتای ۰/۲۹۸ مهمترین عامل مؤثر بر رشد شخصیت می باشد. در واقع بیشترین تأثیر در نحوه گذران اوقات فراغت تحت تأثیر خانواده می باشد. تأثیر خانواده بر اوقات فراغت با بتای ۰/۴۲۸ بیانگر ارجحیت عامل خانواده می باشد.

* * * * *

کلیدواژه‌ها

خانواده، شخصیت پیشرفته، مدرسه، گروه همسالان، گذران اوقات فراغت.

۳- چه نسبتی میان شخصیت پیشرفته و خانواده وجود دارد؟ اصولاً چه نوع ساختاری از خانواده با چه ویژگی‌هایی توفیق بیشتری در تولید چنین شخصیت‌هایی دارد؟

۴- تأثیر عوامل بیرون از خانواده بر شخصیت تا چه اندازه می‌باشد؟
 ۵- رابطه منابع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خانواده با تولید شخصیت پیشرفته چیست و کدامیک نقش مؤثرتری را بر عهده دارند؟
 ۶- چنانچه مدرسه در تولید چنین شخصیتی نقش دارد، کدام دسته از مدارس (دولتی - غیرانتفاعی) در انجام این مهم موفق‌ترند.

۷- تأثیر گروه همسالان و نحوه گذران اوقات فراغت بر شخصیت نوجوانان تا چه اندازه ای است؟



چارچوب مفهومی

الگوی مفهومی شخصیت پیشرفته

در چارچوب تئوریک این تحقیق شخصیت پیشرفته به عنوان متغیر وابسته از تئوری مونیچ اخذ گردید. مونیچ نظام شخصیت را با استفاده از چارچوب اصیل پارسونز در سطح شرایط انسانی اینگونه مطرح می‌کند که نظام مزبور در ارتباط ویژه با ارگانسیم (G) و نظام رفتاری (A) و نظام اجتماعی (I) و نظام فرهنگی (L) شکل می‌گیرد. او می‌گوید که در ابتدا ارگانسیم در وحدت اولیه با محیط است ولی ضمن رشد و درونی کردن نظام‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف قطب‌های تنظیم‌کنش شخصیت به تدریج ظاهر می‌شوند. به بیان پارسونز، اقطاب

تنظیم کنش که در نظام شخصیت شکل می‌گیرد و کار نظارت و تنظیم رفتار انسانی را بر عهده دارند، عبارتند از: هوش (A)، ظرفیت اجرا (G)، وابستگی عاطفی یا تعهد (I) و هویت (L). (مونچ، ۱۹۸۸؛ چلی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۸)

به عبارت دیگر، تشکل و رشد شخصیت از طریق ترکیب نیازهای ارگانیک (آلی) با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری و در برآورد با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. با تشکل شخصیت اجتماع دیگر چیزی غریبه و جدا از فرد نیست بلکه جزئی از او و در اوست، گرچه هر دو مانند هم نیستند. (مونچ، ۱۹۸۸؛ چلی، ۱۳۸۱، ص ۸۷)

مونچ روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته را در سه مرحله کلی قرار می‌دهد. در مرحله اول که تمایلات اساسی در ارتباط متقابل نیازهای ارگانیک با محیط‌های اثباتی، اجتماعی، فرهنگی قرار می‌گیرد دارای سه فاز می‌باشد. «در فاز اول فرد (G) با محیط اثباتی (A) ارتباط متقابل برقرار می‌کند در امتداد محور (G-A) که در اثر نفوذ متقابل این دو قطب، دو نوع تمایل اساسی ایجاد می‌شود: ۱- میل به لذت‌طلبی ۲- میل به انطباق با محیط.

در فاز دوم رشد شخصیت، ارگانیزم با محیط اجتماعی رابطه متقابل برقرار می‌کند در امتداد محور (G-I) در اثر نفوذ متقابل این دو قطب دو تمایل اساسی دیگر حاصل می‌شود: ۱- میل به پیوند عاطفی ۲- میل به سازگاری.

سومین فاز شکل‌گیری تمایلات اساسی در امتداد محور (GL) صورت می‌گیرد. در اثر نفوذ متقابل نیازهای ارگانیک با محیط فرهنگی در تمایل اساسی به وجود می‌آیند: ۱- میل به فعال‌گرایی ۲- تمایل به خردورزی. (چلی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲)

در مرحله اول رشد شخصیت تمام تمایلات اساسی از طریق ارتباط متقابل

نیازهای ارگانیک با محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آیند. طبق نظر مونچ در مرحله دوم رشد شخصیت، این امکان بالقوه وجود دارد که تمایلات اساسی در راستای محورهای مختلف در یکدیگر نفوذ نمایند، و در اثر این نفوذ، تمایلات اشتقاقی حاصل گردند.

مرحله دوم با فاز چهار آغاز می‌شود، در این فاز دو اثر نفوذ متقابل بعضی تمایلات اساسی در راستای محورهای (GA) (GL) در تمایل اشتقاقی به وجود می‌آیند: ۱- تمایل به کنترل محیط خارجی و داخلی ۲- کوشش برای موفقیت.

در فاز پنجم رشد شخصیت، دو تمایل اشتقاقی در اثر نفوذ متقابل تمایلات اساسی در امتداد محورهای (G-I) (G-L) منتج می‌شوند: ۱- میل به خودتنظیمی ۲- تمایل به کنش با پایه عاطفی تعمیم یافته.

فازهای چهارم و پنجم در مرحله دوم رشد شخصیت قرار دارند که چهار تمایل اساسی این مرحله عبارتند از: تمایل به کنترل محیط خارجی و داخلی، کوشش برای موفقیت، میل به خودتنظیمی و تمایل به کنش با پایه عاطفی عام.

مرحله سوم تکوین شخصیت مرحله‌ای است که تمایلات پیچیده‌تر در آن شکل می‌گیرد. در فاز ششم، ترکیب پیچیده‌تری از تمایلات در اثر نفوذ متقابل تمایلات اساسی به همراه تمایلات اشتقاقی فازهای چهارم و پنجم به وجود می‌آید، در صورتی که در فرایند جامعه‌پذیری چنین ترکیبی حاصل شود، این خود موجب به وجود آمدن مرکز واقعی نفوذ متقابل، یعنی هسته تمایلات شخصیت کاملاً پیشرفته خواهد شد. این هسته از دو تمایل اشتقاقی تشکیل می‌شود، که عبارتند از: کنش روشمند و مسئولیت شخصی.

مسامحتاً می‌توان گفت که تمایل به کنش روشمند، میل به تنسيق فعالانه و

خردمندانه محیط درونی و بیرونی است.

مسئولیت شخصی یا اخلاق مسئولیت، نمایانگر عالی‌ترین تمایل شخصیتی است که می‌تواند در روند رشد شخصیت به دست آید. مسئولیت شخص نیز مانند کنش روشمند، یک تمایل کاملاً پیچیده است مرکب از: فعال‌گرایی، کوشش برای کسب موفقیت، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی، خودتنظیمی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته. وجود این دو تمایل در شخصیت حاکی از آن است که رشد شخصیت نه تنها فرایند تفکیک را از هم گذرانده بلکه فرایند ترکیب با نفوذ متقابل را نیز به‌طور کامل تجربه کرده است. به عبارتی با بلوغ شخصیت، تفکیک شخصیت و انسجام شخصیت در سطح بالاتر و پیشرفته‌تری صورت می‌گیرد. (تلخیص: مونچ، ۱۹۸۸، جلدی، ۱۳۷۵، صص ۲۳۱ - ۲۳۶)

ابتدا برای وضوح بیشتر نظریه مونچ اقدام به رسم نمودار روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته نمودیم، چنانچه در عالی‌ترین سطح تکوین شخصیت که فاز ششم آن در مرحله سوم باشد، دو تمایل اساسی برای شخصیت پیشرفته تحت عنوان کنش روشمند و مسئولیت شخصی وجود دارد، که در تعریف آورده که این دو تمایل حاصل اشتقاق ۶ تمایل دیگر می‌باشد.

بنابراین وجود هم‌زمان ۶ تمایل یاد شده: کوشش برای موفقیت، فعال‌گرایی، کنش بر پایه‌ی عاطفی عام، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی و خودتنظیمی را می‌توان با کمی اغماض بیانگر وجود اخلاق مسئولیت و کنش روشمند دانست. در واقع این ۶ تمایل را می‌توان به عنوان معرف‌های درجه‌یک این دو خصلت در نظر گرفت، که به علت پیچیدگی خود این شش تمایل، آن‌ها را نیز به صورت مقیاس مطرح می‌نماییم.

نمودار ۱- روند شکل‌گیری شخصیت پیشرفته (مونچ)



الگوی مفهومی خانواده

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن بر فرزندان و کیفیت آن از حیث تطابق بعدی فرد در جامعه دارای آثار وسیعی می‌باشد. بسیاری از جامعه‌شناسان و نیز روانکاوان عقیده دارند که رفتار اجتماعی در جامعه و خانواده چگونگی برخورد والدین و به‌طور کلی تمام مکان‌هایی که نوجوان با آن‌ها در تماس است، می‌تواند در طرز تفکر و رفتار فرد مؤثر واقع شود و هر کدام تعلیمات خاصی را در نوجوان به‌وجود آورد. (فرجاد، ۱۳۷۷، ص ۴۴)

درباره رابطه بین عملکرد خانواده و شخصیت نوجوانان دو دسته نظریه وجود دارد. در ابتدای دهه نود بین طرفداران گروه خوش‌بین و گروه بدبین درباره نقش ساختار خانواده بر روی شخصیت و سلامت کودکان بحث شروع شده‌است. بلانکن هرن^۱ در اثرش به‌نام «دوباره‌سازی خانه، یک پیمانۀ جدید برای خانواده‌های آمریکایی»، اظهار داشته، که تغییرات اخیر در ساختار خانواده، نظیر آزادی زنان، گسترش آموزش و اشتغال زنان و... مفید بوده و دارای تأثیرات مثبت بر روی عملکرد پرورش فرزندان می‌باشد. (بلانکن هرن، ۱۹۹۰، ص ۲۴۰)

درحالی‌که طبق نظر مخالفان، به هر حال تغییرات ساختاری رخ داده در خانواده باعث افت قابل توجهی در میزان اجتماعی شدن فرزندان در خانواده شده‌است. پوپینو^۲ (۱۹۸۸، ۱۹۹۳) در اثرش سقوط خانواده، با اخذ رویکردی بدبینانه تغییرات ساختاری در خانواده را تحت عنوان «زوال خانواده» مطرح نموده‌است. به زعم وی از بارزترین نتایج تغییرات، افزایش طلاق، تک سرپرستی خانواده،

1. Blanken Horn
2. Popeneo.

پدیده مادرخواندگی و... می‌باشد که مجموعاً منجر به زوال خانواده شده است. مطالعات ساستر و فریر^۱ (۲۰۰۰) نشان داد که احساس قوی‌تری در رشد شخصیت در نوجوانان با افزایش خشنودی از زندگی خانوادگی رابطه دارد، چنانچه این رضایت از زندگی همراه با افزایش خرسندی از کار یا تحصیل باشد، به سطوح بالاتری از رضایت از زندگی دامن می‌زند. (ساستر و فریر، ۲۰۰۰، صص ۸۲-۶۹)

لی‌پلی^۲، معتقد است که خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی که بر همه ویژگی‌های مهم اجتماعی تأثیر دارد، طی فرآیند، تولید و مصرف منابع در خانواده، بر رفتار اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. چگونگی مواجهه خانواده با نیازهای مادی و غیرمادی فرد، معیاری برای عملکرد اجتماعی است. شناخت کیفیت پرورش فرد در خانواده، شاخص مهمی برای رفتار اجتماعی فرد تلقی می‌شود.

کیفیت عملکرد خانواده بر اصلاح یا ترقی انسان متمرکز است و بر ویژگی خوب و رضایت‌بخش زندگی خانوادگی دلالت می‌کند. (رینچ و رانت، ۱۹۹۹، ص ۳۰۸)

در تئوری لی‌پلی از شاخص‌های واقعی و مفهومی استفاده شده است، شاخص‌های واقعی میزان‌های غیرمستقیم رفاه شخصی هستند. زیرا آن‌ها اوضاع زندگی مردم و محیطی که آن‌ها در آن زندگی می‌کنند را نشان می‌دهد. شاخص‌های واقعی به جنبه‌های اقتصادی، فیزیکی و محیطی و اجتماعی دلالت دارد. درحالی‌که شاخص‌های مفهومی، درصدد اندازه‌گیری تجربه فردی (احساس) از زندگی می‌باشد. شخص واحد تجزیه و تحلیل است و توسط او قلمروهای خانواده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

1. Saster & G.ferrier

2. Fredrik Leepely.

لی پلی در تئوری منبع شش گروه از منابع را مشخص می‌کند که همه آنها برای تأمین عملکرد مناسب خانواده، مورد نیاز هستند. منبع هر وسیله یا سمبلی است که با رفتار بین فردی انتقال می‌یابد و به عنوان یک وسیله برای برآورده شدن مثبت یا منفی نیازها قابل دسترس می‌باشد، این منابع خانوادگی که در نحوه شکل‌گیری شخصیت فرزندان در خانواده تأثیرگذار می‌باشند عبارتند از:

عشق^۱، وضع اجتماعی^۲، اطلاعات^۳، پول^۴، لوازم^۵ و خدمات^۶.

در تئوری لی پلی، منبع یاد شده به‌طور پیوسته با یکدیگر مرتبط بوده و دارای ساختمانی دایره ای می‌باشند که بر دو پایه استوار می‌باشند: ۱- حالات سمبولیک؛ ۲- حالات واقعی.

خدمات و ابزار جزو منابع بسیار واقعی هستند زیرا قابل لمس و درک تجربی می‌باشند، درحالی‌که وضع اجتماعی (منزلت) و اطلاعات منابع بسیار سمبولیک هستند، زیرا به وسیله رفتارهای شفاهی منتقل می‌شوند.

عشق و پول در وسط این طیف قرار می‌گیرند، زیرا آنها دارای هر دو شکل سمبولیک و واقعی می‌باشند.

منابع خانوادگی تأثیرات مکملی بر یکدیگر دارند، مثلاً وجود عشق و دوستی بدون ارائه همزمان احترام، امری نادر است. رضایت و رفاه فرزندان در صورت بهره‌گیری مناسب از هر شش منبع در خانواده متصور می‌باشد. فردی که عشق یا دوستی را در خانواده مبادله نمی‌کند، حتی اگر منزلت یا وضع اجتماعی مناسبی

-
1. Love.
 2. Status.
 3. Information.
 4. Money.
 5. Means.
 6. Service.

را دریافت کند، که بطور منطقی رضایت‌بخش باشد، در مقایسه با وجود روابط عاطفی گرم، درجات پایین‌تری از رضایت خانوادگی را خواهد داشت. پول و ابزار نمی‌توانند جانشین نیاز به عشق، و وضع اجتماعی شوند. (ریتیج و رانت، ۱۹۹۹، صص ۳۱۱-۳۰۹)

انگیزه تبادل هر شخص، تابعی از تجربیات گذشته و حال وی می‌باشد، برای اینکه یک شخص انگیزه بالا برای دادن منابع یادشده داشته باشد، او باید این منابع را از حداقل نیازهایش داشته باشد، تنها در این صورت است که شخص ممکن است ظرفیت ارائه منابع به دیگران و انگیزه کمتر برای گرفتن منابع از دیگران داشته باشد. در واقع خانواده مرجعی است که در آن ظرفیت‌های افراد به سطح قابل قبولی رسانده می‌شود. ظرفیتی که یک نفر برای دادن منابع دارد، تابعی از سطح برخورداری بالقوه‌ای است که خانواده در هر یک از شش طبقه منابع مالک آن است.

باتوجه به توضیحات ارایه شده، لی پلی فرض کرد که خانواده هم منابع مادی و هم سمبولیک را برای اعضایش فراهم می‌کند تا به آن‌ها برای مواجهه شدن با انواع مختلف نیازهای شخصی کمک کند. میزان تأمین منابع از سوی خانواده به وسیله ارزیابی مؤثر شخص از محیط خانوادگی خود، بخصوص به وسیله سطحی که در آن خانواده با منابع مختلف مادی و سمبولیک، نیازهای شخصی را مرتفع می‌سازد، سنجیده می‌شود. در این مطالعه با استفاده از تئوری لی پلی، منابع شش‌گانه این تئوری را به عنوان معرف ساختار خانواده فرض نمودیم:

- عشق و محبت به عنوان نماینده ساختار عاطفی و روانی؛

- احترام و منزلت به عنوان نماینده ساختار اجتماعی؛

- خدمات، مالکیت و پول به عنوان نماینده ساختار اقتصادی؛

- اطلاعات به عنوان نماینده ساختار فرهنگی.

لی پلی این منابع را با توجه به نیازهای اساسی انسان تدوین نموده است، همانگونه که مشهود است، جای ساختار سیاسی در این مجموعه خالی می‌باشد، اگرچه به زعم لی پلی میزان پر بودن ظرفیت‌های بالقوه فردی از این منابع شش‌گانه تعیین‌کننده قدرت وی خواهد بود، ولی ما در طرح نظری این مطالعه، ساختار سیاسی خانواده را به وسیله مفهوم مدیریت و نیز نظرخواهی از فرزندان مورد سنجش قرار دادیم.

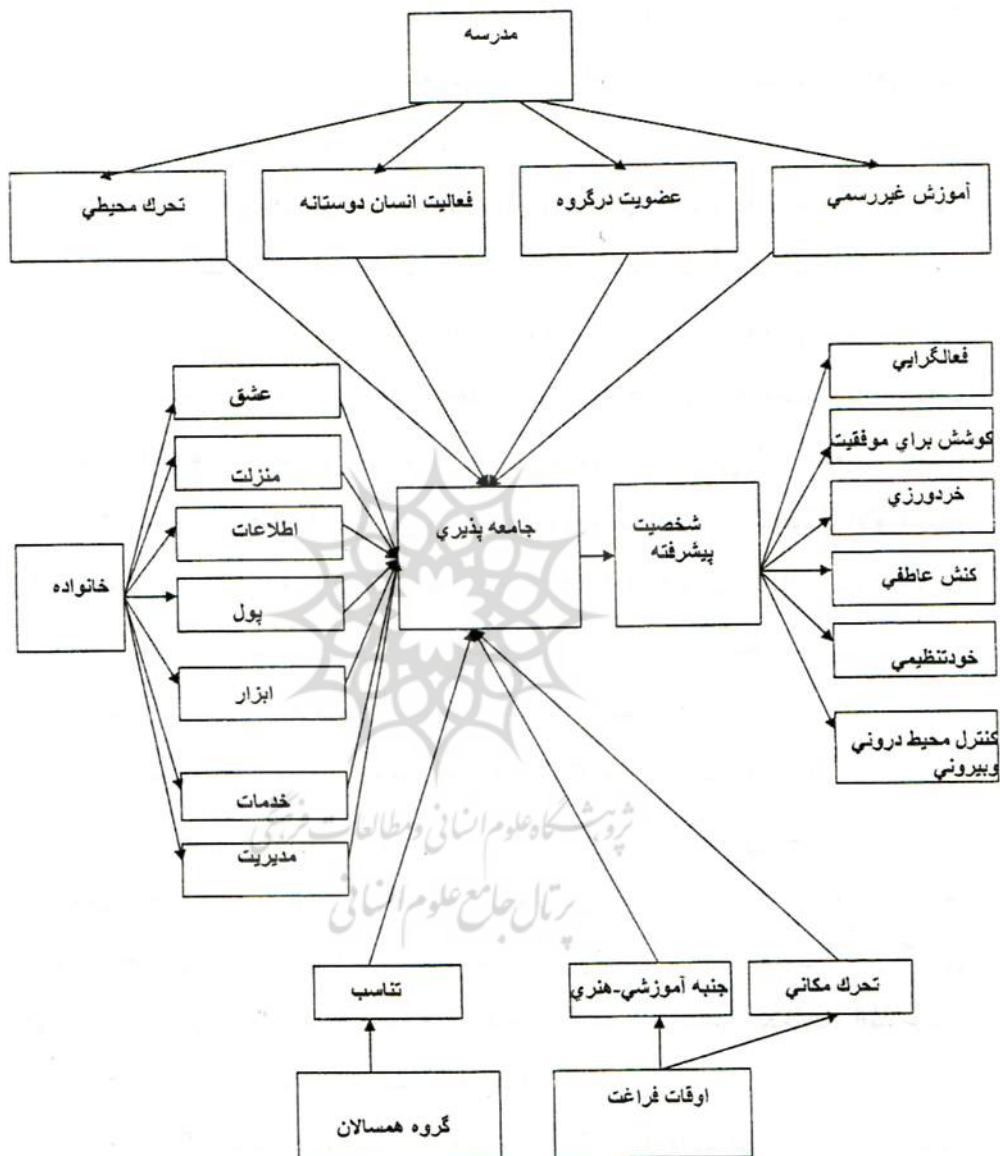
فرض اساسی مبتنی بر ساختار خانوادگی رضایت‌بخش بر آن استوار است که منابع با نیازهای شخصی همه اعضای خانواده و بنابر یک عملکرد روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ظاهر شود.

متغیرهای کنترل

عوامل متنوع و متعدد دیگری نیز بر رشد و شکوفایی شخصیت مؤثر می‌باشند. باتوجه به اینکه پژوهش دامنه وسیعی دارد و متغیرهای متعددی وجود دارند که البته از محدوده مطالعه خارج می‌باشند، کنترل چنین متغیرهایی ضروری می‌باشند، از طرفی باتوجه به اینکه حوزه مطالعه جامعه‌شناسی می‌باشد، بخشی از عوامل اجتماعی که بر تکوین شخصیت مؤثر می‌باشند ولی در حوزه مطالعه قرار ندارند، را مورد سنجش قرار می‌دهیم تا با کنترل اثر هر یک، نقش خانواده در کنار سایر عوامل روشن گردد.

لذا در این مطالعه علاوه بر مطالعه خانواده و شخصیت، سه دسته دیگر از عوامل نظیر مدرسه، اوقات فراغت و گروه همسالان مورد سنجش قرار گرفتند.

نمودار ۲- مدل پژوهشی نقش خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته



روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از نوجوانان دختر و پسر که در سال سوم دبیرستان (پیش‌دانشگاهی) در دبیرستان‌های تهران اشتغال به تحصیل دارند.

باتوجه به اینکه یکی از متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق منطقه مسکونی بود که بیانگر تأثیر طبقه اجتماعی خانواده محسوب می‌شود، بر آن شدیم که در روش نمونه‌گیری انتخاب خوشه‌ها پوشش‌دهنده طبقات مختلف جامعه نیز باشد.

لذا در ابتدا با اخذ روش غیراحتمالی انتخاب قضاوتی که «مبتنی بر انتخاب سنجیده واحدها به طریقی است که هر یک معرف بخشی از جمعیت باشد» (سرای، ۱۳۷۲، ص ۱۲) منطقه ۱ آموزش و پرورش را به عنوان نماینده طبقه بالا و منطقه ۶ را به عنوان نماینده طبقه متوسط و منطقه ۱۹ را به عنوان نماینده طبقه جامعه انتخاب نمودیم. سپس به روش تصادفی مدارس را انتخاب و با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای اقدام به انتخاب دانش‌آموزان نمودیم.

حجم نمونه با استفاده از روش کوکران، ۳۸۰ نفر به دست آمد.

ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته، می‌باشد، که در آن سنجش شخصیت به وسیله ۶ مقیاس، فعال‌گرایی، خردورزی، کنش عاطفی عام، کنترل محیط درونی و بیرونی، خودتنظیمی، کوشش برای موفقیت اندازه‌گیری می‌شود. و متغیر خانواده به وسیله ۷ مقیاس عشق، منزلت، خدمات، اطلاعات، پول، ابزار و مدیریت مورد سنجش قرار گرفت.

همچنین ۳ مقیاس مربوط به مدرسه، همسالان و اوقات فراغت که متغیرهای کنترل این مطالعه را شامل می‌شوند.

اعتبار^۱ مطالعه با استفاده از روش اعتبار صوری^۲ حاصل گردید. در مرحله بعد پس از جمع‌آوری اطلاعات و پرسشنامه‌ها با استفاده از روش تحلیل عامل، برای تجزیه به مؤلفه، اقدام به تست مجدد اعتبار پرسشنامه گردید. روایی^۳ تحقیق نیز در دو مرحله روایی درونی و بیرونی تأیید گردید. برای سنجش انسجام بیرونی از روش آزمون باز آزمون^۴ استفاده شد. همچنین برای به دست آوردن روایی درونی^۵ از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. که آلفای استاندارد شده (۰/۹۱) بیانگر وجود روایی بالا و قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

الف- توصیف یافته‌ها

۱- توصیف وضعیت منابع در خانواده های نهرانی

متغیر مستقل در این مطالعه ساختار خانواده می‌باشد که به وسیله مقیاسی که در آن ۷ معرف: عشق، اطلاعات، منزلت، پول، مهارت، ابزار و مدیریت مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر خانواده در سطح سنجش فاصله‌ای حاصل مجموع نمرات ۷ معرف یاد شده می‌باشد.

متغیر خانواده در ۵ طبقه عمومی گروه‌بندی گردید که شامل نمرات بسیار پایین تا بسیار بالا می‌باشد. منحنی خانواده با کمی چولگی به سمت راست بیانگر وجود شرایط خانواده در جامعه آماری به سمت نمرات پایین می‌باشد. بیشترین فراوانی با ۵۰ درصد شامل خانواده‌هایی می‌باشد که امتیازات به دست آمده از

1. Validity.
2. Face validity.
3. Reliability.
4. Test.R.Test.
5. Internal Consistency.

مجموع نمرات هفت معرف: عشق، منزلت، ابزار، خدمات، اطلاعات، پول و مدیریت در محدوده پایین قرار دارند. $27/3$ درصد از خانواده‌ها واجد امتیازاتی در محدوده متوسط می‌باشند و $4/9$ درصد از ایشان در سطح بسیار پایین قرار داشته و تنها $0/4$ درصد از خانواده‌های پاسخ‌گویان در زمینه تأمین هفت معرف یاد شده دارای وضع خوب و بسیار خوب می‌باشند. بنابراین اطلاعات به دست آمده در زمینه شرایط خانواده‌ها دارای چشم‌انداز روشنی در رابطه با معرف‌های این مطالعه نمی‌باشند.

میانگین نمرات منزلت در محدوده متوسط و بالاتر قرار دارد یعنی وضع منزلت نوجوانان به‌طور متوسط در خانواده‌ها در محدوده متوسط تا بالا قرار دارد و ایشان از احترام نسبی در محیط خانواده برخوردار می‌باشند.

میانگین معرف عشق در محدوده بالا قرار دارد. و این بیانگر آن است که در خانواده‌ها منبع عشق و محبت و علاقه به خوبی مبادله می‌شود.

میانگین مربوط به وضعیت ابزار در خانواده بیانگر آن است که به‌طور متوسط خانواده‌های موجود ابزار و امکانات مورد نیاز نوجوانان را در سطحی بین پایین و متوسط تأمین می‌نمایند. از جهت در دسترس بودن ابزار و امکانات مورد نیاز به‌طور متوسط نوجوانان دارای محدودیت نسبی می‌باشند. این درحالی است که آزمون مقایسه میانگین این معرف در مناطق سه‌گانه معنادار می‌باشد یعنی ابزار و امکانات در منطقه یک وضع مناسب‌تری در مقایسه با سایر مناطق دارد و منطقه نوزده دارای بیشترین محرومیت می‌باشد.

میانگین مفهوم اطلاعات در محدوده متوسط قرار دارد یعنی وجود گفتگو در خانواده و وجود منابع اطلاعاتی نظیر کتاب، مجله و...، آزادی اندیشه برای

نوجوانان در خانواده‌های جامعه آماری به‌طور نسبی وجود دارد.

میانگین مربوط به خدمات در خانواده بیانگر وجود امکانات حمایتی و تیمارگری در خانواده می‌باشد که در محدوده میانی متوسط و بالا قرار دارد یعنی نوجوانان از حمایت خانواده در مواقع مورد نیاز و تأمین رفاه و آسایش نسبی در حد متوسط متمایل به بالا برخوردار می‌باشند.

داده‌ها بیانگر آن است که میانگین وضعیت تأمین پول نوجوانان توسط خانواده در محدوده متوسط قرار دارد. و خانواده‌ها به‌طور نسبی پول مورد نیاز نوجوانان را تأمین می‌نمایند اگرچه در مقایسه میان مناطق سه‌گانه وضع نوجوانان منطقه ۱ در مقایسه با سایرین بهتر می‌باشد.

مدیریت بیانگر شیوه تصمیم‌گیری در خانواده می‌باشد هرچه خانواده دارای شیوه مدیریت دمکراتیک‌تری باشد دارای امتیاز بالاتری نیز می‌باشد. میانگین امتیاز مدیریت در جامعه آماری بیانگر وجود وضع موجود در محدوده امتیاز بالا و متوسط می‌باشد یعنی به‌طور متوسط ارزشیابی شیوه تصمیم‌گیری و میزان اهمیت به نظر و رأی نوجوانان در خانواده در نزد پاسخ‌گویان در سطح بالا خوب ارزیابی شده است

۲- توصیف وضعیت شخصیت نوجوانان تهرانی

متغیر وابسته در این مطالعه شخصیت پیشرفته می‌باشد که براساس تئوری مونچ به‌وسیله‌ی ۶ معرف: فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، خردورزی، کنش بر پایه عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی و خودتنظیمی مورد سنجش قرار گرفت.

میانگین به دست آمده بیانگر آن است که به‌طور متوسط نمره جامعه آماری

در محدوده متوسط قرار دارد. این درحالی است که مجموعاً ۳۶/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای نمره شخصیت در محدوده بسیار بالا و بالا می‌باشند و ۳۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان دارای امتیاز در محدوده پایین و بسیار پایین می‌باشند. منظور از این ارزش‌گذاری میزان برخورداری نوجوانان از تمایلات: فعال‌گرایی، کوشش برای موفقیت، خودتنظیمی، کنترل محیط درونی و بیرونی، خردورزی و کنش عاطفی عام می‌باشد.

میانگین بعد فعال‌گرایی شخصیت پاسخ‌گویان در محدوده متوسط قرار می‌گیرد. یعنی به‌طور متوسط نوجوانان از نظر لذت‌طلبی و استفاده بهینه از فرصت‌ها که معرف فعال‌گرایی بودند دارای تمایل در حد متوسط می‌باشند.

البته این امر می‌تواند ناشی از ارزش‌گذاری منفی در این زمینه‌ها در فرهنگ دینی و ملی باشد درحالی که این خصوصیات در نظریه شخصیتی مونچ مثبت تلقی شده و بیانگر رابطه موفق ارگانسیم با محیط اثباتی می‌باشد. بنابراین اقدام به فرهنگ‌سازی مناسب در چنین زمینه‌ای در نهادهای خانواده، مدرسه و رسانه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

تمایل کوشش برای موفقیت در نوجوانان به‌طور متوسط در محدوده بالا قرار دارد. نوجوانان ما در زمینه انگیزه موفقیت، برنامه‌ریزی و هدف‌مداری در راستای رسیدن به موفقیت در سطح خوب و مناسبی قرار دارند.

تمایل به خودتنظیمی در شخصیت نوجوانان به‌طور متوسط در محدوده میانی متوسط و پایین قرار دارد. منظور از خودتنظیمی در این مطالعه انعطاف‌پذیری و قانون‌مداری نوجوانان می‌باشد که میانگین آن در محدوده متوسط متمایل به پایین قرار دارد که نیازمند بذل توجه نهادهای پرورشی نسبت به این مسأله می‌باشد.

میانگین مربوط به خردورزی در شخصیت نوجوانان در محدوده متوسط و بالا قرار دارد و به‌طور نسبی تمایل به خردورزی در حد مناسبی می‌باشد. روحیاتی نظیر آینده‌نگری، تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی در حد نسبتاً مناسبی در شخصیت نوجوانان موجود می‌باشد.

میانگین مربوط به معرف‌کنش عاطفی عام بیانگر آن است که این تمایل در شخصیت نوجوانان جامعه آماری در محدوده متوسط و بالا قرار دارد یعنی خصوصیات چون تعهد تعمیم یافته، دلبستگی عاطفی و عام و نیز روحیه وفاداری در شخصیت نوجوانان در حد متوسط و نسبتاً خوبی موجود می‌باشد.

میانگین معرف‌کنترل محیط درونی و بیرونی بیانگر آن است که این تمایل به‌طور نسبی در میان نوجوانان در حد متوسط قرار دارند یعنی توانایی نظارت و کنترل بر محیط و نیز سازگاری و تطابق نوجوانان با شرایط بیرونی و محیطی در حد متوسطی قرار دارد. روی هم رفته می‌توان گفت به‌طور متوسط در شخصیت نوجوانان تمایلات کوشش برای موفقیت، خردورزی دارای قوت می‌باشد درحالی که کنش عاطفی عام در محدوده متوسط و بالا و کنترل محیط درونی و بیرونی در حد متوسط وجود دارد و نیز تمایلاتی نظیر فعال‌گرایی و خودتنظیمی در حد متوسط و پایین و دارای ضعف نسبی در مقایسه با سایر تمایلات شخصیتی می‌باشد. علی‌رغم اینکه امتیاز خانواده در سطح توصیفی در مناطق سه‌گانه دارای تفاوت می‌باشد امتیاز مربوط به شخصیت در ۳ منطقه یاد شده دارای میانگین تقریباً برابر می‌باشد یعنی در مناطق بالا، متوسط و پایین امتیاز شخصیت نوجوانان دارای تفاوت معناداری نمی‌باشد این به آن معنا است که عوامل بیرون از خانواده تأثیر بیشتری بر شخصیت نوجوانان می‌گذارد.

ب - تحلیل دو متغیره

گروه همسالان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت نوجوانان می‌باشد. یکی از کارکردهای مهم گروه همسالان ایجاد احساس ایمنی برای نوجوان در خارج از محیط خانواده است. این احساس ایمنی به نوجوان امکان می‌دهد تا از نظر عاطفی از والدین مستقل شود. وابستگی اغلب نوجوانان به همسالان از روی مدت زمانی که با هم می‌گذرانند، علایق مشترک برای انواع خاصی از موسیقی، مدل لباس و زبان آشکار می‌شود.

فرضیه کلی: میان تناسب نوجوانان با گروه همسال و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

$$(\text{Pearson correlation} = 0.788^{**}, \text{sig (s-tailed)} = 0.000)$$

بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان فرضیه مورد نظر تأیید می‌شود یعنی میان تناسب گروه همسالان و رشد شخصیت در نوجوان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود.

مدارس از دو طریق بر اجتماعی کردن نوجوانان و رشد شخصیتی ایشان تأثیر می‌گذارند. نخست آنکه محیطی را فراهم می‌آورند که در آن نوجوانان بیشتر وقت خود را در آن صرف می‌کنند و مرکزی فرهنگی برای همسالان می‌باشد. دوم اینکه مدارس متولی تعلیم و تربیت رسمی می‌باشند، اگر چه در این تحقیق جنبه‌های آموزشی و تربیتی غیررسمی نظیر عضویت در گروه، فعالیت‌های انسان‌دوستانه، آموزش‌های فوق برنامه و سفرهای گروهی مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

فرضیه: میان شرایط عمومی مدارس با رشد شخصیت نوجوانان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۱۵۸ **, sig (s-tailed) = ۰/۰۰۳)

بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان مدرسه و رشد شخصیت رد می‌شود و فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار میان دو متغیر یاد شده با اطمینان ۹۹ درصد (در آزمون پیرسون) مورد تأیید قرار می‌گیرد. میزان شدت رابطه بسیار ضعیف می‌باشد.

اوقات فراغت به عنوان فرصتی مناسب برای آموزش‌های مفید و سرگرم‌کننده که زمینه مناسبی را برای رشد و پرورش شخصیت انسانی فراهم می‌آورد، مطرح می‌شود. پرورش مسئولیت‌پذیری، قانونمندی رفتار در روابط اجتماعی و... همیشگی می‌توانند در اوقات فراغت نهادینه شوند.

چگونگی گذران اوقات فراغت نیز تابعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی نوجوانان می‌باشد، هر چه فرصت برای مسافرت بیشتر باشد، امکان درونی کردن محیط‌های اثباتی متنوع و توسعه و رشد شخصیت نوجوانان بیشتر می‌شود. فرضیه: میان چگونگی گذران اوقات فراغت با رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۲۸۲ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

بنابراین با رد فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر یاد شده، زمینه مربوطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. و البته میزان رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد.

تأثیر خانواده بر شخصیت

فرض اصلی این تحقیق مبنی بر نقش خانواده بر تکوین شخصیت پیشرفته می‌باشد.

فرضیه کلی ۱: میان کیفیت منابع در خانواده با رشد شخصیت در نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۳۸۲ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

بنابراین با رد فرض صفر مبنی بر عدم وجود ارتباط میان دو متغیر یاد شده فرض تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. یعنی میان منابع خانوادگی و رشد شخصیت نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد. میزان رابطه در حد نسبتاً متوسطی قرار دارد. به این معناکه هرچه منابع خانوادگی غنی تر باشد رشد شخصیت در نوجوانان مثبت‌تر می‌باشد.

فرضیه کلی ۲: میان منزلت فرد در خانواده با رشد شخصیت وی رابطه وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۳۶۶ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان منزلت و شخصیت فرد رد و فرض تحقیق (کلی) در سطح اطمینان ۹۹ درصد اثبات می‌گردد. میزان رابطه نسبتاً متوسط می‌باشد. با افزایش منزلت نوجوانان در خانواده امکان رشد شخصیت پیشرفته در ایشان افزایش می‌یابد.

فرضیه کلی ۳: میان وجود عشق در خانواده با رشد شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۲۵۸ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیر عشق با متغیر شخصیت به کلی رد و در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه میان این دو متغیر معنادار می‌باشد. میزان رابطه نسبتاً ضعیف می‌باشد. ولی در هر صورت با افزایش روابط عاطفی میان اعضای خانواده امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان

افزایش می یابد.

فرضیه کلی ۴: میان خدمات ارایه شده در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۲۶۴ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

با ۹۹ درصد اطمینان میان متغیر خدمات با شخصیت رابطه معنادار وجود دارد و فرض صفر مبنی بر عدم وجود ارتباط میان این دو متغیر رد می شود. یعنی میان خدمات ارائه شده در خانواده با رشد شخصیت رابطه ضعیفی وجود دارد. بنابراین با افزایش خدمات خانواده به اعضا، امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان افزایش می یابد.

فرضیه کلی ۵: میان فراوانی و کیفیت ابزار در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۲۵۹ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

رابطه میان کیفیت ابزار در خانواده با رشد شخصیت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می باشد و فرض مبنی بر عدم وجود همبستگی رد می شود. اگر چه میزان این رابطه کمتر از ۰/۳ و در حد ضعیف می باشد. اما با افزایش کیفیت ابزار موجود در خانواده، امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان افزایش می یابد.

فرضیه کلی ۶: میان پول (وجه مادی) موجود در خانواده با رشد شخصیت فردی رابطه معناداری وجود دارد.

(Pearson correlation = ۰/۲۶۶ **, sig (s-tailed) = ۰۰۰)

بنابراین رابطه میان پول در دسترس با رشد شخصیت در سطح اطمینان

۹۹ درصد معنادار می‌باشد و فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر یاد شده رد می‌گردد. شدت ارتباط این دو متغیر در حد ضعیف می‌باشد با افزایش رضایت نوجوان از وجه مادی دریافتی از خانواده، امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان افزایش می‌یابد.

فرضیه کلی ۷: میان وضعیت اطلاعات در خانواده با رشد شخصیت فرد رابطه معناداری وجود دارد.

$$(\text{Pearson correlation} = ۰/۳۳۷ **, \text{ sig (s-tailed)} = ۰۰۰)$$

بنابراین با رد فرض صفر اثبات می‌گردد که میان اطلاعات و رشد شخصیت در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با افزایش کیفیت شاخص اطلاعات در خانواده، امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان افزایش می‌یابد. شاخص اطلاعات که از تبادله‌ی اندیشه‌ها و دسترسی به منابع و وجود آزادی اندیشه در خانواده به دست می‌آید کاملاً می‌تواند بر ابعاد مختلف شخصیت پیشرفته تأثیر داشته باشد حتی اگر رابطه ضعیف باشد که البته با تمایل خردورزی این رابطه قوی‌تر می‌باشد.

فرضیه کلی ۸: میان شیوه مدیریت در خانواده با رشد شخصیت رابطه معناداری وجود دارد.

$$(\text{Pearson correlation} = ۰/۲۴۷ **, \text{ sig (s-tailed)} = ۰۰۰)$$

بنابراین با رد فرض صفر اثبات می‌گردد که میان شیوه مدیریت در خانواده و رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. میان شیوه مدیریتی دموکراتیک در خانواده، با امکان رشد شخصیت پیشرفته در نوجوانان ارتباط وجود دارد.

تحلیل رگرسیونی شخصیت پیشرفته

نتیجه آزمون رگرسیونی این مطالعه عبارت است از:

$$\text{Multiple } R = 0/538 \text{ (ضریب همبستگی چندگانه)}$$

$$\text{Rsquare} = 0/299 \text{ (ضریب تعیین)}$$

$$\text{Adjustedrsquare} = 0/243 \text{ (ضریب تعیین تعدیل شده)}$$

$$\text{Standard Error} = 0/672 \text{ (اشتباه معیار)}$$

براساس نتایج نهایی به دست آمده ضریب نهایی رگرسیون چندگانه $MR = 0/538$ و ضریب تعیین یعنی مجذور آن برابر $R^2 = 0/299$ می باشد، یعنی ۳۰ درصد از تغییرات رشد شخصیتی توسط متغیرهای مستقل و کنترل موجود در معادله تبیین و پیش بینی می شود و ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به علت تأثیر عوامل و متغیرهای خارج از چارچوب ما بوده است.

تحلیل مسیر مدل پژوهشی

در این مطالعه به سبب پیچیده بودن مدل تئوریکی تحلیل مسیر در ۵ مرحله انجام گردید. یعنی ابتدا مدل های مربوط به متغیرهای مستقل و کنترل به صورت جداگانه تهیه و سپس مدل نهایی ترسیم شد. نتایج تحلیل رگرسیون این بخش عبارت است از:

$$MR = 0/485 \text{ همبستگی چندگانه}$$

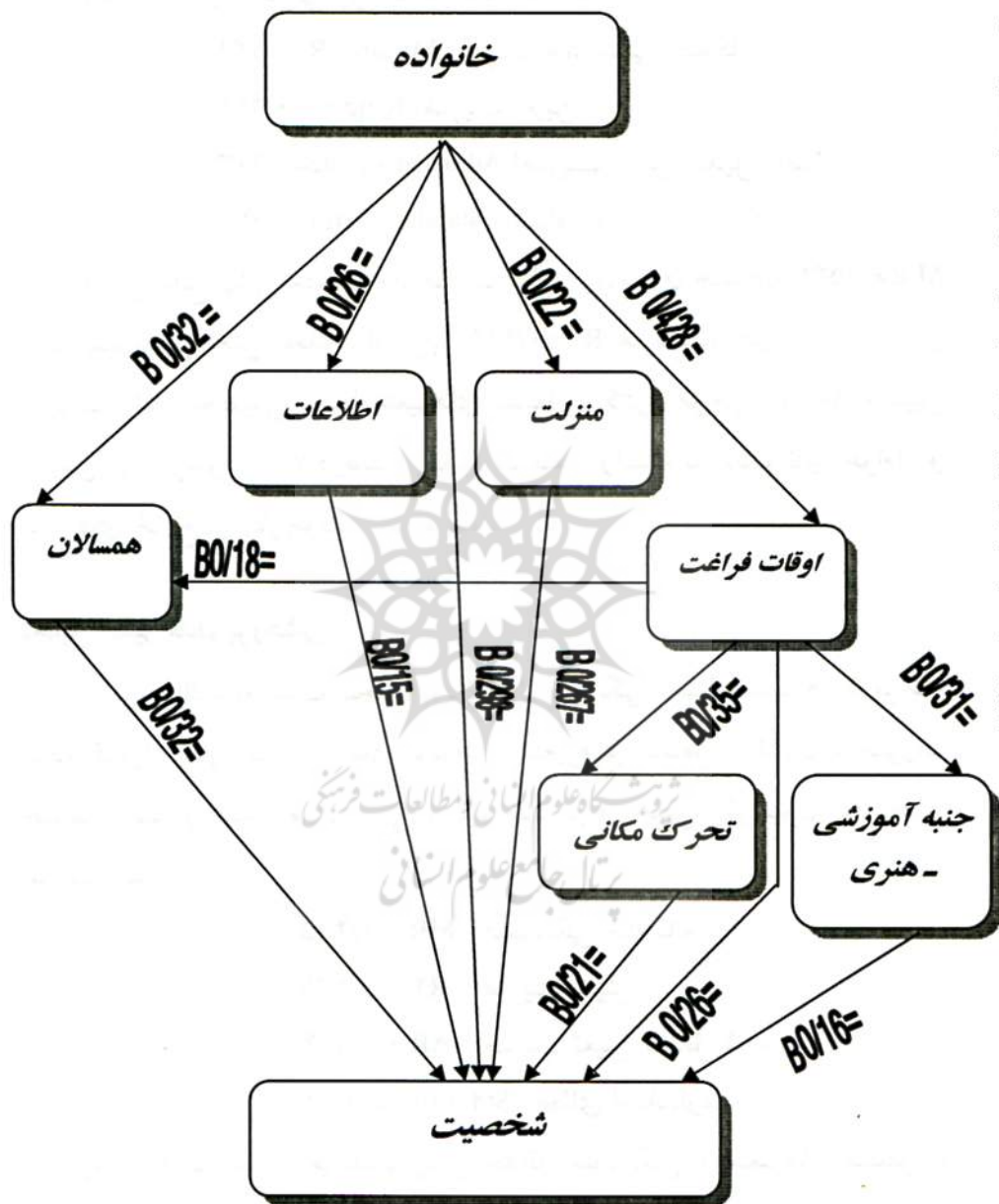
$$R^2 = 0/235 \text{ ضریب تعیین}$$

$$AR = 0/224 \text{ ضریب تعیین تعدیل شده}$$

$$\text{Std. Error} = 0/71 \text{ خطای استاندارد}$$

آزمون F نیز معنادار می باشد. یعنی حداقل میان یکی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه خطی وجود دارد.

نمودار (۳) تحلیل مسیر مدل پژوهشی



در آزمون مدل پژوهشی که به وسیله تحلیل مسیر انجام شده، با استفاده از وزن بتاها میزان تأثیر و اهمیت متغیرهای مستقل و میانی که در مدل آورده شده و بر شخصیت مؤثر می‌باشند نشان داده شده است. مدل بیانگر آن است که متغیر اوقات فراغت و چگونگی گذران آن بیشتر تحت تأثیر خانواده قرار دارد. از سویی وزن بتای متغیر همسالان در مقایسه با سایر متغیرها بیشتر می‌باشد و لذا بر اهمیت این متغیر در توسعه و رشد شخصیت نوجوانان دلالت می‌کند که البته با توجه به اینکه پاسخ‌گویان در سن نوجوانی که سن استقلال‌طلبی و گرایش به عضویت در گروه می‌باشد، امری بدیهی و طبیعی می‌باشد. از میان معرف‌های خانواده منزلت و اطلاعات بیشترین تأثیر را بر رشد شخصیت نوجوانان می‌گذارد و بنابراین وجود فضای سالم در خانواده که در آن به نوجوان ارزش و احترام شایسته گذاشته و نیز فضای مناسب گفتگو و مبادله افکار و نظرات و تنویر افکار موجبات توسعه و رشد شخصیت پیشرفته را در جامعه ما ایجاد می‌نماید که در این میان منزلت اهمیت بیشتری دارد.

نحوه گذران اوقات فراغت نیز اگرچه تابعی از وضعیت خانوادگی و تصمیم‌گیری در خانواده می‌باشد اما، تحرک مکانی و مسافرت به دلیل مواجهه با محیط‌های اثباتی متنوع و تعریض افق هنجاری و تأثیر بر کنش عاطفی عام و کنترل محیط درونی و بیرونی و خردورزی و... بر رشد شخصیت مؤثر می‌باشد. در این مطالعه مشخص شد که انجام مسافرت و تحرک مکانی اهمیت بیشتری در مقایسه با جنبه‌های آموزشی و هنری در گذران اوقات فراغت دارد. اگرچه یکی از مهمترین کارکردهای اوقات فراغت توسعه شخصیت به وسیله هنر، ورزش، مطالعه و... می‌باشد.

نتیجه گیری

یافته ها نشان می دهد میان منابع خانوادگی روابط معناداری مشهود می باشد. یعنی در خانواده در صورت کمبود یک منبع، منابع دیگر جایگزین آن می شوند. مثلاً در خانواده هایی که به علت عدم حضور والدین و یا روابط عاطفی ضعیف، عشق و منزلت در سطح پایینی قرار داشت، پول و ابزار در سطح بالاتری مبادله می شود و برعکس. خصوصاً چنین مبادله ای در منطقه یک مشهود بود، یعنی با وجود سطوح تحصیلی و شغلی بالا و امکانات بیشتر، رضایت کمتری از وضع منزلت و عشق از خانواده وجود داشت.

توصیف وضعیت شخصیت بیانگر آن است که مجموعاً ۳۶/۵ درصد از نوجوانان در محدوده ی شخصیت پیشرفته یعنی امتیازات بالا و خیلی بالا قرار دارند.

منابع مختلف خانواده بر ابعاد مختلف شخصیت نظیر خردورزی، خودتنظیمی، کنش عاطفی و کنترل محیط درونی و بیرونی تأثیر می گذارد. بدیهی است وجود احترام و منزلت همراه با انتظارات متناسب با شأن سبب می شود چنین ابعادی در شخصیت نوجوان رشد نماید.

میان روابط عاطفی (عشق) با رشد شخصیت نیز رابطه معناداری وجود دارد، از آنجایی که یکی از مهمترین کارکرد خانواده امروزی صمیمیت و بُعد عاطفی می باشد، به نظر می رسد در امر جامعه پذیری دارای نقش مهمتری باشد. عشق و رابطه عاطفی در خانواده منجر به توسعه رشد ابعاد شخصیتی می گردد، از جمله رابطه آن با خردورزی، خودتنظیمی، کنش بر پایه عاطفی عام و کوشش برای موفقیت از طریق آزمون های پیرسون و کندال اثبات گردید.

یکی از کارکردهای دیگر خانواده کارکرد خدمات و یاری رساندن در

زمان‌های مورد نیاز می‌باشد. چنانچه نوجوان از چنین خدماتی به موقع بهره‌مند شود، استعداد ارایه چنین خدماتی به هموعان دیگر را از خود نشان خواهد داد. آزمون‌های آماری رابطه میان خدمات ارایه شده در خانواده با رشد شخصیت را اثبات نموده است.

میان کمیت پول در دسترس نوجوان با رشد شخصیت ایشان نیز رابطه معناداری وجود داشت. ($r = 0/226^{**}$ sig:...) پول به عنوان نماینده وضع اقتصادی خانواده بر ابعاد خردورزی، کوشش برای موفقیت و کنش بر پایه عاطفی عام اثرگذار می‌باشد.

منبع اطلاعات در مورد خانواده دارای تأثیرات وسیع‌تری در مقایسه با سایر منابع می‌باشد. یعنی بُعد فرهنگی منابع خانوادگی دارای وسیع‌الاثرتین عامل بر رشد ابعاد شخصیتی می‌باشد. (... : sig $r = 0/337^{**}$)

گفتگو در خانواده و وجود منابع مطالعاتی نظیر مجلات، کتابخانه و نیز برخی رسانه‌ها نظیر، اینترنت و ماهواره در خانواده با رشد شخصیت و به‌طور خاص‌تر بر روی هر شش بُعد شخصیت مؤثر می‌باشند. و البته بیشترین شدت رابطه بر روی بُعد خردورزی می‌باشد.

میان شیوه مدیریت در خانواده و رشد شخصیت نیز رابطه معناداری وجود دارد. (... : sig $r = 0/247^{**}$) هرچه مدیریت در خانه شکل دموکراتیک‌تری یابد بر امتیاز شخصیت افزوده می‌شود. شیوه مدیریت با ابعاد کنش عاطفی، خردورزی، فعالگرایی و کنترل محیط درونی و بیرونی دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشد. البته منظور از شیوه دموکراتیک رهایی و آزادی محض از کنترل نمی‌باشد، بلکه دخالت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها سبب می‌شود

خود در انجام تصمیم‌ها پای‌بندی و تعهد لازم را نشان دهد. به‌کارگیری عقلانیت در هنگام تصمیم‌گیری و کوشش برای به حداکثر رساندن مشارکت و تعهد به‌وجود آمده همه ناشی از وجود مدیریت دموکراتیک می‌باشد.

با استفاده از آزمون همبستگی جزیی و کنترل سایر متغیرها میان مدرسه و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود نداشت.

البته به زعم محقق این امر ناشی از ناموفق بودن مدارس در ارایه برنامه‌های پرورشی می‌باشد. چنانچه هیستوگرام مربوط به متغیر مدرسه دارای چولگی به سمت راست می‌باشد و بیانگر وجود امتیازات پایین و بسیار پایین در مورد مدارس می‌باشد. در واقع دانش‌آموزان دیدگاه منفی نسبت به وضعیت مدارس داشتند که بیانگر کاهش اثربخشی مدارس می‌باشد.

این امر سبب گردید که متغیر مدرسه از مدل رگرسیونی نیز خارج شود، به این معنا که در رشد شخصیت در جامعه ما اثرگذار نمی‌باشند. در حالی که یکی از کارکردهای مهم و اعلام شده مدارس انتقال فرهنگ جامعه و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان می‌باشد. که البته در این مطالعه اثبات نگردید، نظیر چنین مطالعه‌ای توسط کلمن در دهه‌ی ۱۹۶۰ در مدارس آمریکا تحت عنوان برابری فرصت‌ها انجام شد، که در آن تأثیر علل سازمانی مدرسه بر کارایی دانش‌آموزان مطالعه شد و کلمن نیز دریافت که در واقع تأثیر طبقه اجتماعی دانش‌آموزان مقدم بر تأثیر مدرسه می‌باشد.

بنابراین ثابت می‌شود که علی‌رغم کاهش کارکرد خانواده در امر تعلیم و تربیت، هنوز هم بسیاری از اصول، افکار، ایده‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های نوجوانان در محیط خانواده همراه با تجربیات ناشی از شرایط عینی خانوادگی می‌باشد.

در این مطالعه نیز در سطح تحلیل دومتغیری میان اوقات فراغت و رشد شخصیت رابطه معناداری وجود داشت درحالی که با استفاده از همبستگی جزیی و کنترل سایر متغیرها اوقات فراغت همانند مدرسه دارای رابطه معناداری نبود. این امر بیانگر آن است که در جامعه ما در نحوه گذران اوقات فراغت برنامه‌ریزی مناسب و دقیقی وجود ندارد و دانش‌آموزان از این فرصت‌ها برای رشد و تکامل شخصیتی بهره‌ای مناسب نمی‌برند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اوقات فراغت در جامعه ما بیشتر دارای کج کارکرد است تا کارکردهای مثبت نظیر رشد شخصیت، و از طرفی به عنوان مهمترین زمانی تلقی می‌شود که انرژی‌ها و پتانسیل‌های نهفته نوجوانی در آن آزاد می‌شود، در صورت نبودن برنامه‌ریزی مناسب، برای استفاده صحیح از این اوقات، رشد کارکردهای منفی آن بدیهی می‌نماید.

گروه همسالان نیز جزو عامل بسیار مؤثر در اجتماعی شدن می‌باشند، گرچه هدف عمده گروه‌های همسال همبازی شدن و سرگرمی می‌باشد، اما اینگونه گروه‌ها پس از خانواده جزو مؤثرترین عوامل اجتماعی شدن می‌باشند. گروه همسالان نیز به عنوان متغیر کنترل وارد این مطالعه گردید. نتایج بیانگر آن است که همسالان در رشد شخصیت نوجوانان تأثیر بسزایی دارند. ($\text{partialcor} = 0/262^{**}$ sig :...) برخلاف مدرسه و اوقات فراغت، هیستوگرام مربوط به متغیر همسالان دارای چولگی به سمت چپ می‌باشد و این به معنای وجود نمرات بالاتری در مورد این متغیر می‌باشد. لذا در جامعه آماری حاضر گروه همسالان از سایر متغیرها دارای اهمیت بالاتری می‌باشد.

در تحلیل چندمتغیری رگرسیونی شخصیت ضریب تعیین ($\Gamma^2 = 0/299$)

بیانگر تبیین ۳۰ درصد از تغییرات متغیر شخصیت به وسیله معرف‌ها و شاخص‌های این مدل تحقیقی می‌باشد و حدود ۷۰ درصد از تغییرات به وسیله سایر عواملی که خارج از چارچوب این پژوهش قرار دارند تبیین می‌شود. عواملی نظیر خرده‌فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، مهاجرت، تجربیات خاص نظیر طلاق، جرم، فوت، بیماری در خانواده، شیوه‌های تربیتی از جمله تشویق و تنبیه در خانواده، ساختارهای اجتماعی تحولی نظیر تجربه اجتماعی نوجوانان با بزرگسالان، تأثیرگیری از گروه‌های مرجع، معلمان و...، حافظه تاریخی و ملی، ارزش‌ها و باورهای ملی و مذهبی، اسطوره‌های دینی و ادبی و غیره جزو عوامل تأثیرگذاری که در مدل این تحقیق حضور نداشتند ولی به نظر می‌رسد تأثیر بسزایی در نحوه اجتماعی شدن و رشد شخصیت نوجوانان داشته باشند.

در تحلیل مسیر مدل پژوهشی مشخص شد که تأثیر خانواده و همسالان در شخصیت در مقایسه با سایر عوامل دارای اهمیت بیشتری می‌باشد. منزلت و اطلاعات دارای مهمترین تأثیر در رشد شخصیت می‌باشند. همسالان با بتای ۰/۳۲ بالاترین تأثیر را در مقایسه با متغیرهای خانواده و اوقات فراغت دارد بعد از همسالان متغیر خانواده با بتای ۰/۲۹۸ مهمترین عامل مؤثر بر رشد شخصیت می‌باشد. در واقع بیشترین تأثیر در نحوه گذران اوقات فراغت تحت تأثیر خانواده می‌باشد. تأثیر خانواده بر اوقات فراغت با بتای ۰/۴۲۸ بیانگر ارجحیت عامل خانواده می‌باشد. نحوه گذران اوقات فراغت نیز بر نوع رابطه با گروه همسالان تأثیرگذار می‌باشد که البته این رابطه در مدل تحلیل مسیر نشان داده شده است. تحرک مکانی و جنبه آموزشی مهمترین عوامل مؤثر بر شخصیت می‌باشند که جزو معرف‌های اوقات فراغت در این تحقیق می‌باشند. تحرک مکانی دارای

اهمیت بیشتری در مقایسه با جنبه آموزشی و هنری می‌باشد. در این مطالعه مدرسه از مدل رگرسیون خارج گردید. که این مسئله ضرورت توجه سیاست‌گذاران آموزشی کشور را به کارکردهای پرورشی مدارس گوشزد می‌نماید. یافته‌ها بیانگر اهمیت وجود منابع اساسی یاد شده در خانواده و نقش کیفیت و کمیت این منابع بر رشد شخصیت می‌باشد. از آنجایی که جامعه آماری نوجوانان سال سوم دبیرستان می‌باشند و مشخصه این سن بلوغ و استقلال خواهی و جایگزینی روابط با همسالان به جای روابط خانوادگی می‌باشد، نقش گروه همسالان به شکل بارزتری اهمیت می‌یابد.

با توجه به اینکه میانگین نمره خانواده در حد پایین‌تری در مقایسه با میانگین نمره عمومی شخصیت در نمونه آماری می‌باشد باید توجه نمود که نهاد خانواده در جامعه ما به صورت سنتی خود باقی مانده و بسیاری از کارکردهای مورد انتظار نوجوانان را در سطح مناسب ارائه نمی‌کند. علی‌رغم پایین بودن میانگین نمره خانواده می‌بینیم میانگین امتیاز شخصیت در نوجوانان افزایش یافته است. این بیانگر آن است که عوامل بسیار مهمی در خارج از خانواده وجود دارد که موجبات رشد شخصیتی نوجوانان را فراهم آورده است که البته این عوامل خارج از متغیرهای یاد شده در مدل پژوهشی ما می‌باشد. از طرفی این دوگانگی می‌تواند موجب ایجاد تعارض در جامعه شود، چیزی که امروزه تحت عنوان شکاف نسل‌ها مطرح می‌شود.

پیشنهادها

- توجه جدی مسئولین به وضع پرورشی مدارس و شناسایی دلایل عدم کارایی مدارس در نهادینه کردن ویژگی‌های شخصیتی مورد نظر در

- نوجوانان؛
- دادن اطلاع و آگاهی مناسب به خانواده‌ها در جهت اهمیت منابع خانوادگی و جبران کمبودها با منابع جایگزین؛
 - انجام مشاوره و راهنمایی مناسب نوجوانان در زمینه دوست یابی و نحوه ارتباط مفید و مؤثر با همسالان به گونه‌ای که جنبه‌های مثبت شخصیت را رشد دهد؛
 - برنامه‌ریزی مناسب و دقیق مسئولان، خانواده‌ها و اولیای مدارس در زمینه گذران اوقات فراغت و راهنمایی و مشاوره نوجوانان در این زمینه، دردسترس قرار دادن امکانات مختلف و نیز مشارکت و نظرخواهی از خود نوجوانان برای غنی ساختن اوقات فراغت ایشان؛
 - بررسی دقیق موارد ضعف شخصیتی نوجوانان و اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی صحیح جهت رفع ضعف‌ها و نقص‌ها و نیز چاره‌جویی برای تقویت خصوصیات شخصیتی که برای آینده ملی کشور ضروری می‌باشد؛
 - بررسی تفاوت‌ها و تشابهات شخصیتی برحسب جنسیت در نوجوانان؛
 - تعمیم چنین مطالعاتی در سطح کلان با توجه به پیش فرض‌های مطروحه در این پژوهش برای توسعه و انجام مطالعات مشابه در سطح سایر شهرستان‌ها و در سطح کشور؛
 - مقایسه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان ایرانی با نوجوانان سایر کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه؛
 - انجام مطالعات طولی و بررسی تأثیر سیاست‌ها و اقدامات انجام شده در رشد شخصیتی نوجوانان.

۱. بلانکن، هرن، (۱۹۹۰)، *تغییر در خانواده، دوباره‌سازی خانه، یک پیمان جدید برای خانواده‌های آمریکایی*، نشریه خدمات خانواده.
۲. چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
۳. چلبی، مسعود، (۱۳۸۱)، *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. فرجاد (۱۳۷۷)، *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، انتشارات بدر.

5. Munch. Richard, (1988).” *Understanding Modernity*”: London: Routledge.
6. Rettige, Kathery .v& Ront .(1999) “*A general Theory For Perceptual Indicators Of Family* “Social Indicators Research ; 47.
7. Vide fletcher, R, (1966), “*The family and marriage in britiain*”: An Analysis and moral Assessment (Penguin books), revised edition.